

عنوان مقاله:

ارتقای کیفی فضاهای آموزشی معاصر با رهیافت تحلیل کالبدی سازماندهی مدارس سنتی

محل انتشار:

ششمین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و مهندسی و سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و شهرسازی آسیا (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

فریبا حامدنسیمی - دانشجوی دکتری تخصصی، پردیس، تهران، ایران،

غزال صفدریان - استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، تهران، ایران،

خلاصه مقاله:

بدون تردید، یکی از ارکان اساسی تکوین، توسعه و انتقال عناصر فرهنگی جامعه، نظام آموزش و پرورش آن است. نظام آموزش و پرورش دارای چهار رکن ساختار آموزشی، تعلیم دهنده، تعلیم گیرنده و محیط آموزشی است. از ضروریات حیات انسان، تغییر و تکامل به سمت تعالی است و تنها راه دستیابی به آن، آموزش است. با مطالعه تاریخ و نگاهی به تحولات معماری در طی زمان شاهد تغییرات ظاهری و نیز بعضا ساختاری در شکل گیری بناهای مختلف هستیم. این تغییرات ناشی از بسیاری عوامل نظیر تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، شیوه زندگی مردمان و حتی نحوه تفکر حاکمان بوده است. روش تحقیق پژوهش حاضر، از روش تحلیلی مقایسه ای کیفی می باشد از اینرو فضاهای آموزشی در هر دوره ای مورد بررسی و مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. مدارس شناخته شده ترین فضاهای آموزشی هستند که در طی زمان در بخش های گوناگون از جمله معماری، دستخوش تحولات اساسی شدند. از این رو بررسی این تحولات طی دوره های مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. مساله امروزی مدارس ما، عدم وجود کیفیات فضایی در معماری آنها و جایگزینی عناصر دیگر، در قیاس با مدارس سنتی است. بدین معنا که پژوهش هایی که تا به امروز در زمینه مدارس انجام شده، نشان می دهد کمتر به تحولات معماری و محتوای مدارس و علت آنها، طی دوره های مختلف پرداخته شده است، لذا بررسی این تحولات و علت آنها امری ضروری است. در معماری مدارس امروز، کیفیاتی که در مدارس سنتی دیده می شد، وجود ندارند و در مقابل عناصر دیگر جایگزین شدند. تحولات معماری و الگوی مدارس ایران در دوره انتقالی و نوین نسبت به دوره سنتی، ناشی از تقلید تجردگرا به سمت معماری غرب بوده و عدم وجود کیفیات فضایی مدارس سنتی در معماری مدارس نوین در قیاس با مدارس سنتی و حذف بخش اقامتی ناشی از همین امر بوده و محتوا تأثیری بر این تغییرات نداشته است. بدین ترتیب تا میانه دوره قاجار، مدارس ایران الگوی سنتی را حفظ کرده اما از این دوره به بعد، با تاسیس دارالفنون و بهره گیری از معماری غرب، تحولی در معماری مدارس ایجاد شد. به عبارتی، ساختار جدید مدارس در دوره انتقالی و نوین، تقلیدی اروپائی با حذف بخش اقامتی (مدرسه-حجره) به سوی (مدرسه- راهرو- کلاس) است. به گونه ای که کیفیات فضایی مدارس سنتی حذف و عناصر دیگر جایگزین شده و مدارس نوین با معماری جدید شکل گرفتند. نظام آموزش سنتی مبتنی بر همراهی زندگی و آموزش، هم اوایی علوم دینی و دنیوی و رابطه تعاملی بین استاد و شاگرد بوده است. این نظام آموزشی در تعامل با معماری مدارس و ویژگی قرارگیری فضای زندگی و آموزش، استفاده از مدارس برای امور دینی و وجود فضاهای بزرگ مدرس بوده است. در مرحله بعد وجه دینی و تعامل شاگرد و استاد از مدارس همچون دارالفنون برداشته شده اما شکل کلی حیاط مرکزی حفظ شده و نیز کارکرد حجره ها به کلاس درس تغییر پیدا کرده است. نهایتاً در نظام آموزش نوین معماری مدارس خطی شده، کلاس ها و چیدمان آنها به رابطه یک سوبه معلم و شاگرد منجر شده و از معماری و فضای مدارس سنتی فاصله گرفته است.

کلمات کلیدی:

فضای آموزشی معاصر، مدارس سنتی، ارتقا کیفی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1407859>



